

چشمانم را بگشا تا ببینم

مزمور ۱۱۹: ۱۷-۲۴

به بنده خود احسان بنما تا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم. چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب ببینم. من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از من مخفی مدار. جان من شکسته می‌شود از اشتیاق داوریهای تو در هر وقت. متکبران ملعون را توبیخ نمودی، که از اوامر تو گمراه می‌شوند. ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده‌ام. سروران نیز نشسته، به ضد من سخن گفتند. لیکن بنده تو، در فرایض تو تفکر می‌کند. شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت‌دهندگان من بوده‌اند.

ریلهای موازی، برای مسیر جان ما

در آغاز سال ۱۹۹۸، هدف خدا برای ما این است که با قطار دو ريله، در مسیر قدوسیت و محبت و خدمات بشارتی و آسمان سفر کنیم. دو ریل این قطار، دعا به پیشگاه تخت خدا، و تأمل در کلامش می‌باشند. شاید بعضی از شما به یاد داشته باشید که در صفحه دوم از اساسنامه کلیسای ما: «جنب و جوش روحانی»، چه نوشته شده است:

ما به واسطه خداوندمان عیسی مسیح، و در قوت روح القدس، با خدای پدر هم‌نوا می‌شویم؛ و با عزیز شمردن همه خدا بودن خدا، دوست داشتن آنانی که او دوست می‌دارد، دعا برای همه اهدافش، تأمل در همه کلامش، و برقرار ماندن با همه فیضش، برتری جلال خدا را بزرگ می‌داریم.

دعا به پیشگاه تخت خدا، و تأمل در کلامش، مانند ریلهای موازی بوده، که باعث می‌شوند تا قطار جان ما از خط خارج نگردد؛ و رهسپار قدوسیت و آسمان گردد. ما باید در همین ابتدای سال، غیرتمان برای دعا، و تأمل در کتاب مقدس را از نو احیا نماییم. اگر بازسازی و بیداری دوباره و از نو تازه شدن در کار نباشد، همه چیز کهنه و فرسوده و ضعیف می‌گردد. از این‌رو، هر ساله در هفته دعا، بر این امور عظیم و ارزشمند تمرکز نموده، تا اشتیاقمان برای دعا و کلام را از نو برافروزیم.

سه اصلی که باید از مزمور ۱۱۹: ۱۸ آموخت

پیغامهای امسال در آغاز و پایان هفته دعا، به مزمور ۱۱۹: ۱۸ اختصاص دارد. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب ببینم.» این آیه، ترکیبی از دعا و کلام است؛ و باید ببینیم که چگونه

می‌توانیم این دو را به همین شکل در زندگی خود، و در کلیسایمان، تلفیق نماییم. ما از این آیه، سه اصل می‌آموزیم.

- اصل اول اینکه، در کلام خدا چیزهای شگفت‌انگیزی وجود دارد. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم.» در این مزمور، واژه «شریعت»، همان کلمه «تورات» است؛ و به معنای «رهنمود»، یا «تعلیم» می‌باشد. در تعلیم خدا به ما، چیزهای شگفت‌انگیزی وجود دارد. در واقع، آن چیزها آن قدر شگفت‌انگیزند که وقتی واقعاً آنها را می‌بینید، شما را از اساس و بنیان تغییر داده، و قادرتان می‌سازد که قدوس باشید و محبت کنید و به خدمات بشارتی مشغول گردید (دوم قرن‌تینان ۱۸:۳). به این دلیل است که خواندن و دانستن کلام خدا، و تأمل در آن، و حفظ کردن آیاتش، تا این حد مهم و حیاتی می‌باشد.
- دومین اصلی که از این آیه می‌آموزیم، این است که بدون یاری و مدد خدا از اعلا، هیچ‌کس قادر نیست آن چیزهای شگفت‌انگیز را ببیند و به ماهیت واقعی‌شان پی ببرد. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم.» اگر خدا چشم ما را نگشاید، شگفتی کلام را نخواهیم دید. ما به طور طبیعی، قادر به دیدن زیباییهای روحانی نیستیم. وقتی بدون یاری خدا، کتاب‌مقدس را می‌خوانیم، جلال خدا در تعالیم و رویدادهای کتاب‌مقدس، به این می‌ماند که خورشید به چهره فردی نابینا بتابد. البته معنای آن را به شکلی سطحی متوجه می‌شوید، اما قادر نیستید که شگفتی، زیبایی، و جلال آن را به گونه‌ای ببینید که قلب شما را تسخیر نماید.
- اصل دوم، ما را به سومین اصلی می‌رساند که از این آیه می‌آموزیم. بدین معنی که باید به درگاه خدا دعا کنیم، تا هنگام مطالعه کتاب‌مقدس، از اعلا به ما روشنگری عطا نماید. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم.» از آنجایی که ما ناتوان بوده، و در خود قدرتی نداریم که بدون روشنگری پر فیض خدا، زیبایی روحانی، و شگفتی خدا را در تعالیم و رویدادهای کتاب‌مقدس مشاهده کنیم، پس باید قدرتش را از خدا بطلبیم «چشمان مرا بگشا».

حقیقتی در سه قدم

تصمیم داریم در موعظه هفته آینده، بر چیزهای شگفت‌انگیز در کلام خدا تمرکز کرده، و ببینیم که چگونه می‌توان آنها را به شکل عملی، در دل و فکر خود جای داد. اما امروز، تمرکز بر دعاست؛ و می‌خواهم که این حقیقت اساسی را در سه قدم مشاهده نمایم: برای برخورداری از یک زندگی خدامحور، که به آسمان ختم شود و در این دنیا نیز از قدرت و معنا برخوردار باشد، کلام خدا حرف اول را می‌زند. ما بدون یاری خدا از اعلا، حتی قادر نیستیم این را ببینیم که کلام خدا واقعاً چیست. از این‌رو، باید اشخاصی باشیم که روزانه دعا کرده، تا خدا هر آنچه لازم است را انجام دهد، تا شگفتیهای کلامش، در قلب و زندگی ما جای گیرند.

بباید قدم به قدم جلو رویم؛ تا ببینیم که بخشهای دیگر از کتاب مقدس نیز این قدمها را تأیید نموده و توضیح داده است.

۱. برای قدوس زیستن، کلام خدا، حیاتی است

اولین نکته این است که برای زندگی قدوس، پرمحبت، و توانمند برای اهداف خدا، ضروری است که کلام را ببینیم، از آن شناخت پیدا کنیم؛ و آن را در خود داشته باشیم.

به آیه ۱۱ بازگردیم: «کلام تو را در دل خود مخفی داشتیم، که مبادا به تو گناه ورزم.» پس چگونه باید در زندگی مان از گناه دوری کنیم؟ با نگاه داشتن کلام خدا در دلمان. آه که چه بسیارند کسانی که بر کلام خدا تأمل نمیکنند و آن را دوست نمی‌دارند و به حافظه نمی‌سپارند؛ و در نتیجه زندگی خود را آشفته کرده و بر هم می‌زنند! آیا می‌خواهید مقدس باشید؛ یعنی، آیا می‌خواهید قدرت داشته باشید تا بر گناه غلبه کرده و از اصل و اساس، خدایسندانه زیست نموده و محبت ایثارگرانه داشته باشید و به خاطر مسیح، کاملاً خود را وقف نمایید؟ پس وارد این راه شوید. خدا برای خدایسندانه زیستن و قدرت داشتن، راهی مقرر نموده است: کتاب مقدس را در دلمان حفظ کنیم.

من این را به سالمندان می‌گویم؛ و به والدین می‌گویم؛ و به جوانان می‌گویم. بر احکام و هشدارها و وعده‌های خدا در کتاب مقدس، تأمل نموده و آنها را به حافظه بسپارید و گرامی دارید. نه؛ نمی‌گویم که آسان است؛ به خصوص اگر که سالمند هستید. اما کار ارزشمند، آسان نیست. مبلمانی نفیس ساختن، شعری خوب سرآیدن، قطعه موزیکی عالی ساختن، غذایی خاص پختن، یا جشنی ترتیب دادن. هیچ‌یک از اینها آسان نیستند. اما ارزشش را دارند. آیا یک زندگی خوب، به سختی‌اش نمی‌ارزد؟

اکنون طلیتا دو ساله است و کم‌کم یاد می‌گیرد که آیات کتاب مقدس را حفظ کند؛ و اینکه چگونه به شکل‌های مختلف دعا کند. چرا؟ چرا این همه به خود زحمت می‌دهیم و وقت صرف کرده و تلاش می‌کنیم تا آیات کتاب مقدس را بارها و بارها برای او تکرار نماییم؟ بسیار ساده است؛ برای اینکه می‌خواهم وقتی به سن نوجوانی می‌رسد، خداترس و پاک و مقدس و با محبت و فروتن و مهربان و مطیع و حکیم باشد. مثل روز روشن است که زمانی می‌توان به چنین منش و رفتاری رسید که کلام خدا را در دلتان حفظ کنید. کتاب مقدس می‌فرماید «کلام تو را در دل خود مخفی داشتیم، که مبادا به تو گناه ورزم».

عیسی نیز در دعای عظیمش برای ما، در انجیل یوحنا ۱۷:۱۷، همین را فرمود: «ایشان را به راستی خود تقدیس نما؛ کلام تو راستی است.» «تقدیس نمودن»، واژه‌ای است در کتاب مقدس، بدین معنا که شخص مقدس، یا خداترس، یا با محبت، یا پاک، یا پاکدامن، یا از نظر روحانی حکیم گردد؛ و من همین ویژگیها را برای خودم، و برای فرزندانم، و برای شما خواستارم. پس در این سال، باید چکار کنیم؟ اگر حقیقت است که ما را تقدیس می‌کند؛ و کلام خدا، حقیقت است، ما باید چکار کنیم؟

فرض کنید پزشکی به شما بگوید که «بسیار بیمار هستید و شاید که این بیماری، شما را بکشد، اما اگر از این دارو استفاده کنید، سلامتی خود را باز می‌یابید و زنده می‌مانید.» ولی اگر شما در مصرف آن دارو سهل‌انگاری نموده، و مثلاً بگویید که بسیار مشغله دارید، یا فرصت‌ها بزرگند و بلعیدنشان سخت است؛ و یا صرفاً یادتان رود؛ بیمار می‌مانید و شاید هم جان خود را از دست بدهید. در مورد گناه و عدم بلوغ روحانی نیز به همین شکل است. اگر خدا به شما بگوید چیزی وجود دارد که شما را تقدیس می‌کند و بالغ و قوی و مقدس می‌گرداند، اما شما در به کارگیری آن کوتاهی و سهل‌انگاری کنید، در آن صورت، بالغ و قوی و مقدس نخواهید گشت. خواندن کلام خدا، و تأمل در آن، و به حافظه سپردن و عزیز شمردنش، راهی است که خدا مقرر نموده تا بر گناه غلبه کرده، و شخصی قوی، خداترس، بالغ، با محبت، و حکیم گردید.

در کلام خدا، چیزهای دیدنی شگفت‌انگیزی وجود دارد که شما را عمیقاً دگرگون می‌سازند، اگر که شما نیز به معنای واقعی، آنها را ببینید و در خودتان نگاهشان دارید.

۲. ما بدون یاری خدا، قادر به دیدن نیستیم

دومین نکته این است که اگر خدا ما را از اعلا یاری نرساند، قادر نیستیم که ماهیت واقعی آن چیزهای شگفت‌انگیز را در کلام مشاهده کنیم.

دلیل این ناتوانی، آن است که ما سقوط کرده، تباه گشته‌ایم؛ و در گناه مرده‌ایم؛ و بنابراین، کور و جاهل و سختدل هستیم. پولس در رساله افسسیان ۱۸:۴، ما را چنین توصیف می‌نماید: «در عقل [مان]، تاریک هستیم؛ و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که به جهت سختدلی [ما در ماست]».

موسی نیز در کتاب تثنیه ۲۹:۲-۴، درباره این مشکل، چنین گفت: «و موسی تمامی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان گفت: (هر آنچه خداوند در زمین مصر . . . عمل نمود، شما دیده‌اید . . . آیات و آن معجزات عظیم [یعنی، «چیزهای عجیب»]). اما خداوند، دلی را که بدانید؛ و چشمانی را که ببینید؛ و گوشه‌هایی را که بشنوید، تا امروز، به شما نداده است.» توجه کنید: شما دیده‌اید . . . ولی بدون عمل خدا از اعلا، شما قادر به دیدن نیستید.

بدبختی ما این است. اگر خدا در زندگی‌مان کار نکند؛ و ما را بیدار نسازد، ما را جان نبخشد، ما را نرم نسازد، ما را فروتن نکند، ما را پاک نسازد، و به ما روشنگری نبخشد، ما گناهکار و تباه و سختدل و جاهل و کور هستیم؛ و اگر خدا ما را متور نسازد، هرگز زیبایی حقیقت روحانی را مشاهده نمی‌کنیم. اگر خدا چشم دل ما را نگشاید؛ و در مورد این چیزها، حس روحانی به ما عطا نکند، شگفتی و جلال تعالیم کلام را نخواهیم دید.

همه این تعالیم، و آگاه شدن از این حقایق، بدان دلیل است که ما را به شدت، تشنه و گرسنه خدا سازد؛ تا با گریه و التماس، برای خواندن کتاب مقدس، از خدا یاری بطلبیم.

(در مورد نکته دوم، به این آیات نیز مراجعه نمایید: متی ۱۶:۱۷؛ و ۴:۱۱؛ و لوقا ۲۴:۴۵؛ اول قرننتیان ۲:۱۴-۱۶؛ یوحنا ۳:۶-۸؛ رومیان ۸:۵-۸).

۳. ما باید به درگاه خدا دعا کنیم، تا ما را یاری رساند که ببینیم

این موضوع، ما را به آخرین نکته می‌رساند: اگر برای مقدس بودن، و با محبت بودن، و بالغ بودن، و رهسپار آسمان بودن، بسیار لازم و حیاتی است که حقیقت کلام خدا را بشناسیم و آن را در دل خود حفظ نماییم؛ و اگر ذاتاً قادر نیستیم که شگفتیهای کلام خدا را ببینیم و گیرایی جلالش را احساس کنیم، پس در مانده هستیم؛ و باید که به درگاه خدا دعا کنیم، تا ما را یاری رساند که ببینیم. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم».

به بیان دیگر، دعا در زندگی مسیحی، امری بسیار حیاتی است؛ چرا که کلیدی است که قدرت کلام را در زندگی ما می‌گشاید. تا قبل از اینکه خدا چشم ما را به جلال کلامش بگشاید، دیدن آن جلال، به آن می‌ماند که خورشید بر چهره فردی نابینا بتابد؛ و اگر آن جلال را نبینیم، تغییر نخواهیم کرد (دوم قرننتیان ۳:۱۸؛ یوحنا ۱۷:۱۷)؛ و اگر تغییر نکنیم، مسیحی نیستیم.

پولس در رساله افسسیان ۱:۱۸، بدین شکل دعا می‌کند: «تا چشمان دل شما روشن گشته، بدانید که امید دعوت او چیست . . .» به عبارت دیگر، «من این امور را به شما تعلیم داده‌ام؛ و شما نیز آنها را با حواس ظاهری‌تان پذیرفته‌اید؛ ولی تا زمانی که با حس روحانی‌تان، به جلال آنها پی نبرید، («چشمان دل شما»)، تغییر نخواهید کرد. (رساله افسسیان ۳:۱۴-۱۹؛ کولسیان ۱:۹؛ و ۳:۱۶ را نیز مشاهده نمایید). باید توجه داشت که او این چیزها را خطاب به مسیحیان می‌نویسد؛ و نشانگر آن است که تا آن زمان که به آسمان برویم، باید برای برخورداری از چشم روحانی، در دعا باشیم.

خواندن کتاب مقدس را، با هفت نمونه دعا، اشباع کنیم

اما از آنجایی که مزمور ۱۱۹:۱۸ را مطالعه می‌نماییم: «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم»، پس باید بگذاریم مزمور نویس به ما نشان دهد که برای خواندن کلام خدا، به طور کلی چگونه دعا می‌کند. بنابراین، با سفری کوتاه به مزمور ۱۱۹، این موعظه را به پایان می‌رسانم؛ و هفت گونه دعا را به شما نشان می‌دهم، تا امسال، خواندن کتاب مقدس را، با این هفت نمونه اشباع کنید.

باید دعا کنیم . . .

۱. باید دعا کنیم که خدا کلامش را به ما تعلیم دهد. مزمور ۱۱۹:۱۲ (بخش دوم آیه): «فرايض خود را به من بیاموز.» (آیات ۳۳، ۶۴ (بخش دوم)، ۶۶، ۶۸ (بخش دوم)، ۱۳۵ را نیز مشاهده نمایید.) یادگیری کلام خدا به معنای واقعی، تنها زمانی ممکن است که خدا از طریق تعالیم دیگر، خودش معلم باشد.

۲. باید دعا کنیم که خدا کلامش را از ما مخفی ندارد. مزمور ۱۱۹:۱۹ (بخش دوم آیه): «اوامر خود را از من مخفی مدار.» کتاب مقدس درباره اینکه کلام خدا به نشانه داورى، یا تنبیه هولناک او، از ما دریغ خواهد شد، هشدار می‌دهد (عاموس ۸:۱۱). (آیه ۴۳ را نیز مشاهده نمایید).

۳. باید دعا کنیم که خدا کلامش را برای ما قابل درک سازد. مزمور ۱۱۹:۲۷: «طریق وصایای خود را به من بفهمان» (آیات ۳۴، ۷۳ (بخش دوم)، ۱۴۴ (بخش دوم)، ۱۶۹). در اینجا ما از خدا می‌خواهیم تا کاری کند که کلامش را درک کنیم؛ یعنی هر کاری که لازم است انجام دهد، تا ما را به درک و فهم کلامش برساند.

۴. باید دعا کنیم که خدا دل ما را به کلامش مایل گرداند. مزمور ۱۱۹:۳۶: «دل مرا به شهادت خود مایل گردان؛ و نه به سوی [منفعتی که با تقلب به دست آمده].» مشکل اصلی ما اراده ماست، نه منطقمان. ما ذاتاً تمایل نداریم که کلام خدا را بخوانیم و در آن تأمل کرده و به حافظه بسپاریم. پس باید دعا کنیم که خدا خواست و اراده ما را مایل گرداند.

۵. باید دعا کنیم که خدا حیاتی به ما عطا نماید که کلامش را نگاه داریم. مزمور ۱۱۹:۸۸: «به حسب رحمت خود، مرا زنده ساز، تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.» مزمور نویس بر این واقف است که برای اینکه خود را به کلام، و اطاعت نمودن از آن بسپاریم، به حیات و قوت نیازمندیم. پس او این نیاز اصلی را از خدا می‌طلبد (بخش دوم آیه ۱۵۴ را نیز مشاهده نمایید).

۶. باید دعا کنیم که خدا گامهای ما را در کلامش استوار گرداند. مزمور ۱۱۹:۱۳۳: «قدمهای مرا در کلام خودت پایدار ساز.» ما نه تنها برای حیات، و برای درک کلام، به خداوند وابسته هستیم، بلکه برای به‌جای آوردن، و مستقر شدنش در زندگی‌مان نیز. ما خود قادر نیستیم که این را به‌جای آوریم.

۷. باید دعا کنیم که وقتی از کلام خدا منحرف می‌شویم، او در پی ما بیاید. مزمور ۱۱۹:۱۷۶: «مثل گوسفند گمشده، آواره گشتم؛ بنده خود را طلب نما.» قابل توجه است که این مرد خدا، با اعتراف به گناه، و اینکه خدا باید در پشیمانی او را بازگرداند، مزمورش را به پایان می‌رساند. ما نیز باید که بارها و بارها به همین شکل دعا کنیم.

کلام، گنجینه ما

نتیجه‌گیری من این است که در آغاز سال ۱۹۹۸، حال که مشتاقیم قدوس و با محبت باشیم و از اساس و بنیان، خود را به هدف خدا در این شهر، و سایر ملتها متعهد سازیم، باید افرادی باشیم که کلام را در دلمان حفظ کنیم؛ اما بیش از آن، باید افرادی باشیم که بدانیم جدا از خدا، درمانده هستیم؛ و بدانیم که خدا مقرر نموده تا با دعا، چشم ما بازگردد، تا شگفتی را در کلامش ببینیم و تبدیل شویم. «چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم.»

مزمورنویس در این‌گونه دعا کردن، تا چه اندازه مصمم و جدی بود؟ ما تا چه اندازه باید مصمم و جدی باشیم؟ مزمور ۱۱۹:۱۴۷، پاسخی به این پرسش است: «بر طلوع فجر سبقت جسته، استغاثه کردم؛ و کلام تو را انتظار کشیدم.» او سحرگهان برمی‌خاست! و این بر همه چیز مقدم است. آیا شما نیز این را بالاترین اولویت خود قرار می‌دهید؟